



خانواده (فقه)

خانواده، اولین **نهاد** اجتماعی و کوچکترین واحد تشکیل دهنده **جامعه** است.

فهرست مندرجات

- ۱- [تعریف](#)
- ۲- [ساختار](#)
 - ۲.۱- [موافقت اسلام](#)
 - ۲.۲- [تنوع در قرآن](#)
- ۳- [انواع](#)
 - ۳.۱- [گسترده](#)
 - ۳.۱.۱- [نمونه شایع](#)
 - ۳.۱.۲- [کارکرد و تنوع](#)
 - ۳.۱.۳- [مسکن و اعضا](#)
 - ۳.۲- [گسترده محدود](#)
 - ۳.۲- [هستهای](#)
- ۴- [نسل‌ها](#)
 - ۴.۱- [نسل اول](#)
 - ۴.۲- [نسل دوم](#)
 - ۴.۳- [نسل سوم](#)
- ۵- [کارکرد](#)
- ۶- [وظایف و حقوق](#)
 - ۶.۱- [از منظر اسلام](#)
- ۷- [رئیس](#)
 - ۷.۱- [توان جسمی](#)
 - ۷.۲- [توان اقتصادی](#)
- ۸- [وظایف زن](#)
 - ۸.۱- [از نظر اسلام](#)
 - ۸.۲- [در دوره جاهلی](#)
 - ۸.۳- [وضعیت کنونی](#)
- ۹- [هدف](#)
 - ۹.۱- [پرورش فرزندان](#)
 - ۹.۲- [سرپرستی امور](#)
- ۱۰- [والدین](#)
 - ۱۰.۱- [انتخاب همسر](#)
 - ۱۰.۲- [انتخاب شغل](#)
 - ۱۰.۳- [سبب اصالت](#)
- ۱۱- [روابط](#)
 - ۱۱.۱- [تقلیل روابط](#)
 - ۱۱.۲- [کشش خویشی](#)
- ۱۲- [احکام](#)
 - ۱۲.۱- [گشایش بر عیال](#)
 - ۱۲.۲- [شرط استطاعت](#)
 - ۱۲.۳- [حج یردن](#)
 - ۱۲.۴- [مکروه و حرام](#)
- ۱۳- [فهرست منابع](#)
- ۱۴- [پانویس](#)
- ۱۵- [منبع](#)

هر خانواده از مجموعه‌ای از افراد تشکیل می‌یابد که در **بیوند** خویشاوندی و زیستی قرار دارند و معمولاً در یک خانوار زندگی می‌کنند.

ساختار

کلیت وضع و ساختار خانواده در نظام اجتماعی **مسلمانان** مشابه با ادیان پیشرفته دیگر است. گفته می‌شود که ساختار خانواده امروزی اسلامی را می‌توان در سه هزار سال قبل از میلاد در **بین النهرین** باستان در جامعه سومری، بابلی، آشوری و غیره یافت. همین سنت سامی در میان **یهودیان** و **مسیحیان** نیز استمرار یافته و در میان **عرب** پیش از **اسلام** نیز رایج بوده است. این صورت از خانواده به صورت پدرخطی بوده که در بیش‌تر جوامع بشری نیز رواج داشته است. در جوامع **پدر** خطی نام **فرزند** و **میراث** از شاخه پدري انتقال می‌یابد و فرزندان به نام پدرانشان شناخته می‌شوند، گو این‌که تمام خانواده‌های پدر خطی به یکسکن پرسالار نیستند.

← موافقت اسلام

با وجود شمار درخور ملاحظه آموزه‌ها و توصیه‌های قرآنی و حدیثی درباره خانواده، در منابع اصلی اسلام به هیچ ساختار یا گونه معین نظام خانوادگی تأکید یا اشاره نشده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و سلم- همواره در دوره **حکومت اسلامی** در **مدینه** در پی ایجاد نظام کارآمد حقوقی بود و در این زمینه اصلاحات درخور توجهی در حقوق فردی و اجتماعی، از جمله در قوانین و سنن مربوط به **ازدواج** و تشکیل خانواده و **طلاق**، پدید آورد اما در نظام و ساختار عمومی خانواده عربی تغییری نداد.

← تنوع در قرآن

بنابر اشارات قرآنی و **ادبیات صدر اسلام**، واژه‌های مختلفی بر مفهوم ساختار خانوادگی دلالت داشتند که با در نظر گرفتن تفاوت‌های معنایی یا دستکم تفاوت در کاربرد آن‌ها در متون قرآنی صدر اسلام، صورت‌های مختلف خانواده، از خانواده هسته‌ای گرفته تا گسترده‌ترین انواع آن، در بافت قرآنی و سنت عربی اسلامی اولیه نیز قابل شناسایی است. مثلاً در **قرآن** یکی از معانی واژه **آل خاندان** است، از جمله **آل ابراهیم**

[۱] نساء/سور ۴، آیه ۵۴.

که مراد از آن گویا خاندانی بسیار گسترده، شامل همه فرزندان و **نسل حضرت ابراهیم**، است.

واژه‌های قرآنی چون **اهل**

[۲] قصص/سور ۲۸، آیه ۲۹.

[۳] عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۳۲.

[۴] ص/سور ۳۸، آیه ۴۳.

[۵] طور/سور ۵۲، آیه ۲۶.

[۶] نساء/سور ۴، آیه ۹۲.

[۷] یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۳.

[۸] زمر/سور ۳۹، آیه ۱۵.

[۹] مطففین/سور ۸۳، آیه ۳۱.

[۱۰] انشقاق/سور ۸۴، آیه ۹.

[۱۱] انشقاق/سور ۸۴، آیه ۱۳.

و **بیت**

[۱۲] قصص/سور ۲۸، آیه ۲.

[۱۳] هود/سور ۱۱، آیه ۷۳.

[۱۴] احزاب/سور ۳۳، آیه ۳۳.

[۱۵] **بن محمد راعب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «بیت»، جلد محمد سید کیلانی، تهران (۱۳۳۲ش).**

به خانواده در مقیاسی کوچکتر اشاره دارند.

واژه **عشیره**،

[۱۶] شعراء/سور ۲۶، آیه ۲۱۴.

ذوی القربی و واژگان مشابه،

[۱۷] یقره/سور ۲، آیه ۸۳.

[۱۸] یقره/سور ۲، آیه ۱۷۷.

[۱۹] نساء/سور ۴، آیه ۳۶.

اولوالارحام و واژگان مشابه،

[۲۰] احزاب/سور ۳۳، آیه ۶.

[۲۱] ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۳.

[۲۲] محمد/سور ۴۷، آیه ۲۲.

در قرآن، بیشتر حاکی از روابط خویشاوندی است.

برخی اسلام‌پژوهان غربی آیه‌ای از قرآن را که در آن‌ها به خلقت زوجی اشاره شده است،

[۲۳] فاطر/سور ۳۵، آیه ۱۱.

[۲۴] زمر/سور ۳۹، آیه ۶.

[۲۵] شوری/سور ۴۲، آیه ۱۱.

[۲۶] نجم/سور ۵۳، آیه ۴.

[۲۷] نیا/سور ۷۸، آیه ۸.

حاکمی از آن گرفته‌اند که قرآن بر تشکیل خانواده هسته‌ای تأکید دارد؛ در حالیکه به نظر می‌رسد شکل خانواده و ابعاد آن از موضوعات و مضامین قرآنی محسوب نمی‌شود، بلکه در عمل، پیامبر اسلام ابتدا خانواده هسته‌ای تشکیل داد و سپس با افزودن بر تعداد همسران خود به نوعی به خانواده گسترده روی آورد، در عین حال که بر روابط خویشاوندی نیز تأکید داشت.

انواع

در واقع به‌طور کلی در جوامع اسلامی از صدر اسلام تا جهان امروز، همچون دیگر جوامع سه ساختار عمده خانواده همواره ملاحظه می‌شده است:

← گسترده

۱) خانواده گسترده، معروفترین گونه خانواده در جهان قدیم و شایعترین ساختار خانوانگی در جوامع **کشاورزی** و توسعه نیافته است. خانواده گسترده از چندین خانواده هسته‌ای و شماری از خویشاوندان **مجرد** یا وابسته تشکیل می‌شود که تحت ریاست **پدر** خانواده قرار دارند.

← نمونه شایع

نمونه شایع این نوع خانواده در عالم اسلام شامل پدری میان سال و **همسر** او بود. پدر و **مادر** پسر رئیس خانواده نیز با آنان زندگی می‌کردند. گاه ممکن بود رئیس خانواده چند همسر داشته باشد که طبعاً همه زنان و فرزندان نیز عضو خانوار بودند. همچنین **برادران** مجرد و نیز **خواهران** مجرد یا **بیوه** یا مطلقه رئیس خانواده نیز عضو این خانواده گسترده بودند. چنین خانواده‌ای بین سی تا چهل عضو داشت که در **مسکن** مشترک می‌زیستند و با یکدیگر در زمینهای کشاورزی کار می‌کردند.

← کارکرد و تنوع

این خانواده عملاً به مثابه واحدی تولیدی و اجتماعی عمل می‌کرد که همه نیازهای اجتماعی و اقتصادی اعضایش را برآورده می‌ساخت. این ساختار عمومی در مناطق مختلف **جهان اسلام** و براساس اقتضائات جغرافیایی فرهنگی هر ناحیه و اوضاع بومی و محلی آن، با تنوع بسیار بروز و ظهور می‌یابد. در برخی مناطق ممکن است نسل اول خانواده یعنی **پدر بزرگ** همچنان با حفظ اقتدار خود در خانواده گسترده، بر نسل دوم و سوم خانواده عملاً ریاست کند.

← مسکن و اعضا

ممکن است **پسران متأهل** که با خانواده خود در مجموعه پدری زندگی می‌کنند و از آشپزخانه همین خانواده گسترده تغذیه می‌کنند، با **مرگ** پدر خانواده گسترده، زندگی جداگانه‌ای برای خانوار خود آغاز کنند.

ممکن است خانواده در خانه‌های بزرگ یا در مجموعه‌ای از خانه‌های به هم پیوسته یا نزدیک به هم زندگی کنند. تعداد اعضا و میزان شاخه‌های وابستگی در خانواده گسترده نیز اشکال متنوعی از این نوع خانواده را پدید می‌آورد.

← گسترده محدود

در برخی از جوامع در حال گذار از نظام خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، نظام واسطه‌ای ملاحظه می‌شود. در این نظام تعداد اعضا و وابستگی‌های خانواده گسترده کاهش می‌یابد. مثلاً پسر خانواده تا زمانی با خانواده پدری زندگی می‌کند که بتواند به‌طور مستقل نیازهای مالی خانوار خود را تأمین کند و پس از آن خانوار مستقلی را تشکیل می‌دهد. با این حال این اجزای جدانشدنی از بدنه خانوار پدری در عین حال همچنان عضو وابسته خانواده گسترده محسوب می‌شوند و در فعالیت‌های آن مشارکت دارند.

← هسته‌ای

این ساختار خانوانگی شامل پدر، مادر و فرزندان بیواسطه آنان است. گاه این ساختار صرفاً در بردارنده یک **زوج** و گاه شامل یکی از **والدین** به همراه **فرزندان** است که در یک خانوار زندگی می‌کنند. این ساختار پیش‌تر در دوران جدید، در جوامع پیشرفته‌تر و در شهرها دیده می‌شود. خانواده هسته‌ای به مثابه واحد اجتماعی مستقل عمل می‌کند و کمابیش به لحاظ سکونت و **اقتصاد** از دیگر واحدهای خانواده اصلی و خانوار پدری جداساز است.

نسل‌ها

صرفنظر از ساختار خانواده به‌طور کلی، معمولاً هر خانواده از سه نسل تشکیل می‌شود که در کنار هم زندگی می‌کنند و روابط میان این نسلها و تعامل آنان با یکدیگر، بخش بزرگی از رفتار خانوانگی را شکل می‌دهد.

پدر بزرگ و مادر بزرگانده، در دورانی که یا **قدرت** تولید اقتصادی را از دست داده‌اند یا خانواده دیگر به تولید آنان متکی نیست، در بدنه خانواده حضور دارند و معمولاً با ارائه خدمت معنوی و تربیتی به نسل سوم با نظام خانواده تعامل دارند.

یعنی پدر خانواده، همسر و همراهانش بخش اصلی خانواده را تشکیل می‌دهند و قدرت اقتصادی و تولید خانوار به آنان متکی است.

یعنی فرزندان در دوران کودکی حداقل مشارکت را در تولید دارند و در زمانی که نیروی والدین برای اداره اقتصادی خانواده صرف می‌شود، فرزندان بامراقبت نسل اول **رشد** و **پرورش** می‌یابند. به تدریج فرزندان، که تعدادشان در خانواده‌های بزرگ بیش از پنج نفر است، به عنوان نیروی کار به نسل تولیدکننده خانوار ملحق می‌شوند. هر عضو خانواده در ازای خدماتی که از این واحد اجتماعی دریافت کرده به نوعی به ادای **دین** می‌پردازد.

هر خانواده تکیه‌گاه عاطفی و اقتصادی اعضای خود است و هر فرد، هویت دینی، فرهنگی و نیز طبقه اجتماعی خود را از خانواده خود به **ارث** می‌برد. خانواده مانند شرکت تجاری، دفتر بیمه، مرکز مشاوره، **مهدکودک**، **خانه سالمندان**، بانک، مرکز بهزیستی برای ناتوانان جسمی و روانی، **بیمارستان**، و خوابگاه عمل می‌کند.

از اینرو اعضای خانواده در قراردادی نانوشته در ازای بهره‌مندی از خدمات، موظف‌اند در عین تعامل با بخشها و اعضای دیگر خانواده و تلاش برای تأمین نیازهای متنوع آن، با رفتار صحیح خود در اجتماع، شرافت، **منزلت** و **احترام** خانوانگی را حفظ کنند.

ضمن این قرارداد نانوشته، اسلام نیز همچون ادیان دیگر به تعریف **حقوق** متقابل اعضای خانواده پرداخته است

[۲۹] **بقره/سور ۲، آیه ۲۳۲.**

[۳۰] **نساء/سور ۴، آیه ۱۹.**

[۳۱] **طلاق/سور ۶۵، آیه ۶.**

[۳۲] **نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۴۰۵.**

[۳۳] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳.**

[۳۴] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲.**

[۳۵] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۴.**

[۳۶] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۹.**

[۳۷] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳.**

[۳۸] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۸-۱۶۹.**

[۳۹] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۰.**

[۴۰] **جزّ عملی، و سائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۷.**

[۴۱] **عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۴۹، تهران ۱۳۸۰ش.**

[۴۲] **عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۹۵-۹۱، تهران ۱۳۸۰ش.**

[۴۳] **عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۱۲، تهران ۱۳۸۰ش.**

[۴۴] **عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۱، تهران ۱۳۸۰ش.**

هرچند اسلام نظام پدر خطی و پدرسالار خانواده عربی را تغییر نداد، ولی برخی تغییرات، از جمله در موقعیت زن در خانواده، حاصل شد. بخش بزرگی از آموزه‌های قرآنی و **سنت نبوی** نیز در توصیه‌های متعدد به رفتار حسنه اعضا و نسل‌های سه گانه خانواده در قبال یکدیگر آمده است. قرآن آرمانی اخلاقی را در مناسبت **زناشویی** مطرح ساخته است از جمله این‌که تشکیل خانواده باید به آرامش معنوی و ملایم برای زوجین منجر شود

[۲۵] **اعراف/سور ۷، آیه ۱۸۹.**

[۲۶] **روم/سور ۳۰، آیه ۲۱.**

و زن و مرد باید مانند لباسی برای یکدیگر باشند.

[۲۷] **بقره/سور ۲، آیه ۱۸۷.**

مرد، رئیس و صاحب اقتدار نهایی و مطلق در خانواده است.

[۴۸] محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۲، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه مجتهدین وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.

[۴۹] ادريس كنانى، «الاسرة المغربية التقليدية»، ج ۱، ص ۱۰۱، التراث الشعبي، سال ۹، ش ۳ (۱۳۹۸).

← توان جسمی

در جامعه عرب جاهلی، مرد به حکم تفوق بنیه‌اش بر زن و قدرت عضلانی و مقاومت بیشتر در برابر طبیعت و خطرات، سرور خانواده (ربّ العائلة/ بعل المرأة) خوانده می‌شد و حقوقی بیشتر از همسر خود داشت.

[۵۰] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۰۸، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

در جوامع مسلمانی که آموزه‌های اسلامی در آن‌ها به عمق ساختارهای اجتماعی بومی و محلی نفوذ نکرده است نیز کمابیش همین مقوله در تعیین و توزیع حقوق میان زن و شوهر دخالت دارد و چه بسا مرد خانواده همراه زن و فرزندان خود غذا نمی‌خورد.

[۵۱] احمد امین، قاموس العادات و التقالید و التعابیر المصرية، ذیل «الأسرة»، قاهره ۱۹۵۳.

در این قبیل جوامع، زنان عموماً فرصت و موقعیت کمتری برای پیشرفت‌های تحصیلی و اجتماعی دارند و روابط اجتماعی آنان بسیار محدودتر از مردان است. مردان طبق تفکری مردسالارانه، زن را سست رأی می‌دانستند و از این‌رو همواره مستقلاً در امور خانواده تصمیم می‌گرفتند.

[۵۲] عبدالملک بن محمد ثعالبی، ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، ج ۱، ص ۳۰۶، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره (۱۹۸۵).

[۵۳] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۱۸، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

[۵۴] ادريس كنانى، «الاسرة المغربية التقليدية»، ج ۱، ص ۱۰۱، التراث الشعبي، سال ۹، ش ۳ (۱۳۹۸).

← توان اقتصادی

قدرت اقتصادی مرد خانه و وابستگی اهل **عائله** به درآمد او نیز مایه دیگری برای استمرار سنت پدرسالارانه در خانواده اسلامی بوده است. بنابراین حقوق اسلامی، **شوهر** مسئول **تکفل** امور خانواده است و باید به زن **نفقه** بدهد و اگر زن شغل یا درآمدی داشته باشد شوهر حقی به آن ندارد.

[۵۵] محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۳، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه مجتهدین وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.

برای مطالعه درباره مفهوم قوامیت مرد بر زن در خانواده به این منبع رجوع کنید.

[۵۶] ابراهیم سجادی، «قوامیت مردان بر زنان در خانواده»، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۶۹، پژوهشهای قرآنی، ش ۲۵-۲۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۰).

از نظر اقتصادی گاهی زنان برتری‌هایی کسب می‌کردند و همواره در موضع ضعف نبودند،

[۵۷] محسن بن علی تنوخی، کتاب الفرج بعدالشدّة، ج ۴، ص ۴۲۶، چاپ عبود شالچی، بیروت ۱۹۷۸/۱۳۹۸.

[۵۸] فهمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة: دراسة فی التاريخ الاجتماعی، ج ۱، ص ۳۶۵، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳. حتی در قرن چهارم غلبه زنان بر مردان از موضوعات گفتگوهای مجالس مردانه بود.

[۵۹] محسن بن علی تنوخی، نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، ج ۳، ص ۳۰، چاپ عبود شالچی، بیروت ۱۳۹۱/۱۳۹۳-۱۹۷۳.

[۶۰] ابومطهر آزدی، حکایة ابی القاسم البغدادی، ج ۱، ص ۱۹، چاپ آدم متز، هاینلبرگ ۱۹۰۲، چاپ افست بغداد.

[۶۱] فهمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة: دراسة فی التاريخ الاجتماعی، ج ۱، ص ۳۶۵، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳.

وظایف زن

برطبق **سیره پیامبر** که خود لباس‌هایش را رفو و در انجام کارهای خانه همکاری می‌کرد، شوهر وظیفه دارد در کارهای خانه به همسرش کمک کند.

[۶۲] محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۳، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه مجتهدین وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.

← از نظر اسلام

زن وظیفه شرعی برای تکفل کامل و مطلق کارهای منزل ندارد، ولی عملاً در جوامع سنتی اسلامی زن مسئول امور منزل و تدبیر آن تلقی می‌شد و در عین حال در جوامع مختلف بخشی یا بخش بزرگی از بار تولید و اقتصاد خانواده را نیز به دوش می‌کشید.

← در دوره جاهلی

زنان در محیط عرب جاهلی تهیه غذا، دوشیدن **شتران**، شستشوی لباس، ریسیدن **بشم** و تهیه **هیزم** برای سوخت را به تنهایی انجام میدادند

[۶۳] جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۱۶، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.

و حتی امروزه نیز در بسیاری از جوامع وضع به همین منوال است.

← وضعیت کنونی

در نگاه مردسالارانه سنتی، زنی مطلوب بود که همچون کنیزی به شوهر خود خدمت می‌کرد. [۶۴] ابوریحان بیرونی، الجماهر فی الجواهر، ج ۱، ص ۹۱، چلپ یوسف الهادی، تهران ۱۳۷۴ ش. [۶۵] فهیمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة: دراسة فی التاريخ الاجتماعی، ج ۱، ص ۳۶۴، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳.

در ادوار جدید، با ارتقای موقعیت اجتماعی زنان، اشتغال و درآمدزایی آنان، طبعاً مساهمت آنان در قدرت اقتصادی بیش‌تر شده و در خانواده نیز از موقعیت بهتری برخوردار شده‌اند.

هدف

هدف اصلی ازدواج همچنان در جوامع اسلامی بقای نسل و به دنیا آوردن فرزندان است به طوری که تولد فرزند اصولاً نشانه موفقیت ازدواج تلقی می‌شود و با تولد فرزند است که عملاً خانواده شکل می‌گیرد. مراکز تحقیقاتی و **پزشکی** همواره مورد مراجعه زوج‌های **نیایارور** است و با وجود سیاست‌های **تنظیم جمعیت** در بسیاری از کشورها، داشتن خانواده بزرگ و فرزندان زیاد امری مطلوب به شمار می‌رود.

← پرورش فرزندان

پرورش و نگهداری از فرزندان وظیفه مشترک پدر و مادر است ولی چون پدر برای تأمین معاش معمولاً بیرون از خانه به سر می‌برد، مسئولیت اصلی تربیت فرزندان بر عهده مادر قرار می‌گیرد. فرزندان با مادر رابطه نزدیک‌تری دارند و گاه مادر **واسطه** ارتباط فرزندان با پدر تلقی می‌شود، یعنی هم پدر خواست‌ها و **اوامر** خود را به واسطه مادر به فرزندان منتقل می‌کند و هم فرزندان نیازهای خود را از طریق مادر با پدر مطرح می‌کنند. [۶۶] شاپور راسخ، «اثر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل و وظائف خانواده ایرانی»، ج ۱، ص ۱۱۰، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش.

مادر بزرگها و پدر بزرگها در **تربیت** و نگهداری از کودکان به مادر کمک می‌کنند. فرزندان بزرگتر خانواده نیز در این کار مساهمت دارند و در صورت مرگ پدر و مادر، معمولاً فرزندان بزرگتر خانواده مسئولیت برادران و خواهران کوچکتر از خود را بر عهده می‌گیرند.

← سرپرستی امور

در صورتی که فرزندان به هر علتی بی **سرپرست** بمانند، سرپرستی آن‌ها با خانواده و خویشان پدری است. گاه بنابر سنن محلی و بومی وضع برعکس است، مثلاً در میان اهالی **آجه** این وظیفه بر عهده خویشان مادری قرار می‌گیرد.

والدین

بنابر آموزه‌های قرآنی فرزندان باید به والدین احترام بگذارند، با آنان به درشتی سخن نگویند و صدای خود را در برابر والدین بلند نکنند. [۶۷] **اسراء/سوره ۱۷، آیه ۲۳-۲۴.**

این تعلیم صریح دینی، خود منشأ سنت ریشهدار احترام‌گذاری به والدین در جوامع مسلمان شده است؛ به طوری که فرزندان از برخی رفتارها در حضور والدین احتراز می‌کنند، مثلاً در برابر پدر **بخانیت** مصرف نمی‌کنند. [۶۸] احمد امین، قاموس العادات و التقالید و التعبیر المصریة، ذیل «الأسرة»، قاهره ۱۹۵۳.

← انتخاب همسر

در ادوار گذشته حتی انتخاب همسر برای فرزندان نیز در اختیار و اراده والدین و مخصوصاً پدر خانواده قرار داشت [۶۹] عبدالله مستوفی، شرح زنگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۴۳۳، تهران ۱۳۷۷ ش. [۷۰] ادریس کتانی، «الأسرة المغزبیه التقليدیه»، ج ۱، ص ۱۰۱، التراث الشعبی، سال ۹، ش ۳ (۱۳۹۸).

و فرزندان به نسبت ادوار متأخر، چندان قدرت یا زمینه انتخاب نداشتند.

← انتخاب شغل

این امر گاهی به انتخاب‌های دیگر از جمله انتخاب شغل نیز تسری می‌یافت و مثلاً پسران معمولاً حرفه پدران خود را دنبال می‌کردند. اصولاً خانواده مجربانی بود که استعدادها و خواست‌های فرزندان را در مسیر معینی هدایت می‌کرد.

← سبب اصالت

در عین حال در خانواده‌های عادی و عامه و کسانی که تحصیل کرده نبوده‌اند یا از امتیازات خاص بی بهره بودند، تنها ملاک امتیاز به ویژه در اموری چون ازدواج و وجاهت اجتماعی، تربیت خانوادگی و اصالت نسب و حسب بود.

[۱۷۱] عبدالله مستوفی، شرح زنگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، ص ۳۱۵، تهران ۱۳۷۷ ش. و طبعاً میزان پیوستگی و احترام حاکم میان اعضای خانواده و به ویژه نحوه رفتار فرزندان با پدر و مادر یکی از ملاک‌های شرافت و اصالت خانوادگی تلقی می‌شد. در دوران جدید با توجه به تنوع نیازها و میزان توانایی یا ناتوانی خانواده‌ها در برآوردن آن‌ها و تعارض‌های ارزش‌های خانوادگی با معیارهای بیرونی، این احترام ورزی دچار چالش‌هایی شده است.

در باره برخی مشکلات تربیتی در خانواده‌های امروز به این منبع رجوع کنید

[۱۷۲] هادی شریفی، «مشکلات تربیتی خانواده امروز ایرانی»، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۲۲، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش. و درباره کودکان و مسائل تربیتی آنان در خانواده‌های کشورهای مختلف اسلامی به این منبع رجوع کنید.

روابط

با این حال، اعضای خانواده‌های مسلمان همچنان بسیار به یکدیگر نزدیک‌اند و علاوه بر مناسبت عاطفی و بستگی‌های درون خانوادگی، روابط خویشاوندی با عموها، عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها و فرزندان آنان نیز همچنان مورد توجه است.

[۱۷۳] محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۶، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.

برای نمونه‌هایی از امثال عربی که بر پیوندهای استوار خانوادگی دلالت دارد به این منبع رجوع کنید.

[۱۷۴] ابراهیم احمد شعلان، «الأسرة فی المثل الشعبي»، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۴۴، التراث الشعبي، سال ۱۲، ش ۶-۷ (حزیران - تموز ۱۹۸۱).

← تقابلی روابط

فشارهای اقتصادی و بطور کلی تحولات اجتماعی باعث شده است که بسیاری از والدین یا هر دو در بیرون خانواده کار کنند و عملاً نقش پدر به عنوان نان‌آور و مادر به عنوان مربی مطلق **کودک** به تدریج تغییر کرده است.

[۱۷۵] احمد امین، قاموس العادات و التقالید و التعبیر المصریة، ذیل «الأسرة»، قاهره ۱۹۵۳.

در باره تأثیر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل وظایف در خانواده‌ها به این منبع رجوع کنید.

[۱۷۶] شاپور راسخ، «اثر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل و وظائف خانواده ایرانی»، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۶۱، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش.

مهاجرت برای **کار** و **تحصیل**، بسیاری از اعضای خانواده را از هم جدا می‌کند.

دولتها به تدریج بخش‌های وسیعی از کارکردهای خانواده را برعهده می‌گیرند و نهادهای خدماتی اجتماعی چون مهدکودکها و خانه‌های سالمندان میل سه نسل تعریف شده خانواده فاصله می‌اندازند.

← کشش خویشی

با این حال، روابط خویشاوندی در جهان سنتی اسلام آثار خود را حفظ کرده است، چنان که مهاجران به شهرهایی می‌روند که یکی از اعضای خانواده یا خویشاوندان پیشتر در آنجا استقرار یافته باشد یا در کارگاه و شرکت‌هایی به کار می‌پردازند که خویشاوندانشان در آنجا به نحوی عضویت دارند.

این حفظ روابط به گونه‌ای است که شاید یکی از علل رواج روابط به جای ضوابط در بیش‌تر جوامع اسلامی، استمرار و قوت پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی باشد.

احکام

سرپرستی خانواده بر عهده **پدر** است؛ از این رو، تأمین **نفقه همسر** و **فرزند** ان با شرايطی بر عهده او است چنان که تنظیم امور و سلاماندهی روابط اعضای خانواده با **پدر** است. بر این اساس وی می‌تواند فرزندان و نیز **همسر**ش را در صورت **نشوز** **تأدیب** کند.

← گشایش بر عیال

توسعه دادن بر خانواده در **مسکن** و نیز هزینه‌های جاری زندگی، بویژه در روز **جمعه** و دیگر **عید**ها، همچنین تلاش برای گشایش دادن به خانواده **مستحب** است.

[۱۷۷] **الکافی فی الفقه** ص ۱۵۳ و ۱۵۵

[۱۷۸] **جواهر الکلام** ج ۲۲، ص ۴۴۹

[۱۷۹] **جامع المقاصد** ۴، ص ۷

← شرط استطاعت

از شرایط تحقق **استطاعت**، داشتن مخارج خانواده تا بازگشت از **حج**،

[۱۸۰] **الحدائق الناضرة** ج ۱۴، ص ۱۲۳.

بلکه بنابر قول بیشتر فقها، دارا بودن مخارج زندگی پس از بازگشت به مقدار کفایت است

[۸۱] العروة الوثقی ج ۴، ص ۴۱۳

[۸۲] مستمسک العروة ۱۰، ص ۱۶۱.

← حج بردن

بردن یا فرستادن اعضای خانواده به حج، هرچند با **صرفه جویی** در هزینه جاری زندگی یا **قرض** کردن، **مستحب** است [۸۳] **جواهر الکلام** ج ۱۷، ص ۲۱۶.
چنین که **مستحب** است **بدر** خانواده هنگام **سفر** دو **رکعت نماز** بخواند و برای خانواده خود **دعا** کند و آنرا به خدا بسپارد. [۸۴] **الحدائق الناضرة** ج ۱۴، ص ۴۲.

← مکروه و حرام

خوردن گوشت عقیقه بر اعضای خانواده **مکروه** است. [۸۵] **جواهر الکلام** ج ۳۱، ص ۲۷۰.

اعضای خانواده نمی توانند یکدیگر را به **بردگی** بگیرند [۸۶] **جواهر الکلام** ج ۲۴، ص ۱۴۱.
[۸۷] **جواهر الکلام** ج ۲۴، ص ۱۴۵-۱۴۷.

فهرست منابع

- (۱) قرآن.
- (۲) ابراهیم احمد شعلان، «الاسرة فی المثل الشعبي»، التراث الشعبي، سال ۱۲، ش ۶-۷ (حزیران - تموز ۱۹۸۱).
- (۳) ابوریحان بیرونی، الجواهر فی الجواهر، چاپ یوسف الهادی، تهران ۱۳۷۴ ش.
- (۴) ابومظهر آزدی، حکایة ابی القاسم البغدادی، چاپ آدام متز، هایدلبرگ ۱۹۰۲، چاپ افسنت بغداد.
- (۵) احمد امین، قلموس العادات و التقالید و التعابیر المصرية، قاهره ۱۹۵۳.
- (۶) محسن بن علی تنوخی، کتلب الفرّج بعدالشدّة، چاپ عبود شالچی، بیروت ۱۳۹۸/۱۹۷۸.
- (۷) محسن بن علی تنوخی، نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، چاپ عبود شالچی، بیروت ۱۳۹۱-۱۳۹۳/۱۹۷۲-۱۹۷۳.
- (۸) عبدالملک بن محمد ثعالبی، ثمار القلوب فی المضامف و المنسوب، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره (۱۹۸۵).
- (۹) جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.
- (۱۰) حرّ عاملی، وسائل الشیعة.
- (۱۱) شاپور راسخ، «اثر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل و وظائف خانواده ایرانی»، در سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره خانواده و فرهنگ، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش.
- (۱۲) حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سید کیلانی، تهران (۱۳۳۲ ش).
- (۱۳) ابراهیم سجادی، «قومیت مردان بر زن در خانواده»، پژوهشهای قرآنی، ش ۲۵-۲۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۰).
- (۱۴) فهمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة. دراسة فی التاریخ الاجتماعی، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳.
- (۱۵) هادی شریفی، «مشکلات تربیتی خانواده امروز ایرانی»، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش؛
- (۱۶) علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغة، چاپ صبحی صالح، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷، چاپ افسنت قم.
- (۱۷) ادریس کتانی، «الاسرة المغربية التقليدية»، التراث الشعبي، سال ۹، ش ۳ (۱۳۹۸).
- (۱۸) عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران ۱۳۷۷ ش.
- (۱۹) محمد معشوق بن علی، «اسلام»، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محسنین و قار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.
- (۲۰) عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران ۱۳۸۰ ش.

پانویس

۱. ↑ نساء/سور ۴، آیه ۵۴.
۲. ↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۲۹.
۳. ↑ عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۳۲.
۴. ↑ ص/سور ۳۸، آیه ۴۳.
۵. ↑ طور/سور ۵۲، آیه ۲۶.
۶. ↑ نساء/سور ۴، آیه ۹۲.
۷. ↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۳.
۸. ↑ زمر/سور ۳۹، آیه ۱۵.
۹. ↑ مطفین/سور ۸۳، آیه ۳۱.

۱۰. [↑ انتشاق/سور ۸۴، آیه ۹.](#)
۱۱. [↑ انتشاق/سور ۸۴، آیه ۱۳.](#)
۱۲. [↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۲.](#)
۱۳. [↑ هود/سور ۱۱، آیه ۷۳.](#)
۱۴. [↑ احزاب/سور ۳۳، آیه ۳۳.](#)
۱۵. [↑ بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «بیت»، چلپ محمد سید کیلانی، تهران \(۱۳۳۲ش\).](#)
۱۶. [↑ شعر/سور ۲۶، آیه ۲۱۴.](#)
۱۷. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۸۳.](#)
۱۸. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۷۷.](#)
۱۹. [↑ نساء/سور ۴، آیه ۳۶.](#)
۲۰. [↑ احزاب/سور ۳۳، آیه ۶.](#)
۲۱. [↑ ممتحنه/سور ۶۰، آیه ۳.](#)
۲۲. [↑ محمد/سور ۴۷، آیه ۲۲.](#)
۲۳. [↑ فاطر/سور ۳۵، آیه ۱۱.](#)
۲۴. [↑ زمر/سور ۳۹، آیه ۶.](#)
۲۵. [↑ شوری/سور ۴۲، آیه ۱۱.](#)
۲۶. [↑ نجم/سور ۵۳، آیه ۴۵.](#)
۲۷. [↑ نیا/سور ۷۸، آیه ۸.](#)
۲۸. [↑ قیامت/سور ۷۵، آیه ۳۹.](#)
۲۹. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۳۲.](#)
۳۰. [↑ نساء/سور ۴، آیه ۱۹.](#)
۳۱. [↑ طلاق/سور ۶۵، آیه ۶.](#)
۳۲. [↑ نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۴۰۵.](#)
۳۳. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳.](#)
۳۴. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۲.](#)
۳۵. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۴.](#)
۳۶. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۹.](#)
۳۷. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳.](#)
۳۸. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۸-۱۶۹.](#)
۳۹. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۷۰.](#)
۴۰. [↑ حرّ عملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۶۷.](#)
۴۱. [↑ عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۴۹، تهران ۱۳۸۰ش.](#)
۴۲. [↑ عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۹۵-۹۶، تهران ۱۳۸۰ش.](#)
۴۳. [↑ عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۱۲، تهران ۱۳۸۰ش.](#)
۴۴. [↑ عزت السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۱، تهران ۱۳۸۰ش.](#)
۴۵. [↑ اعراف/سور ۷، آیه ۱۸۹.](#)
۴۶. [↑ روم/سور ۳۰، آیه ۲۱.](#)
۴۷. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۸۷.](#)
۴۸. [↑ محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۲، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محسنین و قار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ش.](#)
۴۹. [↑ ادريس كتناني، «الاسرة المغربية التقليدية»، ج ۱، ص ۱۰۱، التراث الشعبي، سال ۹، ش ۳ \(۱۳۹۸\).](#)
۵۰. [↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۰۸، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.](#)
۵۱. [↑ احمد امين، قاموس العادات و التقاليد و التعبیر المصریة، ذیل «الأسرة»، قاهره ۱۹۵۳.](#)
۵۲. [↑ عبدالملك بن محمد تعالی، ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، ج ۱، ص ۳۰۶، چلپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره \(۱۹۸۵\).](#)
۵۳. [↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۱۸، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.](#)
۵۴. [↑ ادريس كتناني، «الاسرة المغربية التقليدية»، ج ۱، ص ۱۰۱، التراث الشعبي، سال ۹، ش ۳ \(۱۳۹۸\).](#)
۵۵. [↑ محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۳، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محسنین و قار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ش.](#)
۵۶. [↑ ابراهیم سجادی، «قومیت مردان بر زنان در خانواده»، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۶۹، پژوهشهای قرآنی، ش ۲۵-۲۶ \(بهار و تابستان ۱۳۸۰\).](#)
۵۷. [↑ محسن بن علی تنوخی، کتب الفرج بعد الشدة، ج ۴، ص ۴۲۶، چلپ عبود شالچی، بیروت ۱۹۷۸/۱۳۹۸.](#)
۵۸. [↑ فهمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة: دراسة فی التاريخ الاجتماعی، ج ۱، ص ۳۶۵، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳.](#)
۵۹. [↑ محسن بن علی تنوخی، نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، ج ۳، ص ۳۰، چلپ عبود شالچی، بیروت ۱۳۹۱-۱۳۹۳/۱۹۷۲-۱۹۷۳.](#)
۶۰. [↑ ابومطهر آرذی، حکایة ابی القاسم البغدادی، ج ۱، ص ۱۹، چلپ آدم متز، هایلدبرگ ۱۹۰۲، چلپ افست بغداد.](#)
۶۱. [↑ فهمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة: دراسة فی التاريخ الاجتماعی، ج ۱، ص ۳۶۵، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳.](#)
۶۲. [↑ محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۳، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محسنین و قار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ش.](#)
۶۳. [↑ جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۶۱۶، بیروت ۱۹۷۶-۱۹۷۸.](#)
۶۴. [↑ ابوریحان بیرونی، الجماهر فی الجواهر، ج ۱، ص ۹۱، چلپ یوسف الهادی، تهران ۱۳۷۴ش.](#)
۶۵. [↑ فهمی سعد، العامة فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجرة: دراسة فی التاريخ الاجتماعی، ج ۱، ص ۳۶۴، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳.](#)
۶۶. [↑ شاپور راسخ، «اثر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل و وظائف خانواده ایرانی»، ج ۱، ص ۱۱۰، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ش.](#)

۶۸. [↑ احمد امين، قاموس العادات والتقاليد و التعابير المصرية، ذيل «الأسرة»، قاهره ۱۹۵۳.](#)
۶۹. [↑ عبدالله مستوفى، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۴۳۳، تهران ۱۳۷۷ ش.](#)
۷۰. [↑ ادريس كتنان، «الاسرة المغربية التقليدية»، ج ۱، ص ۱۰۱، التراث الشعبي، سال ۹، ش ۳ \(۱۳۹۸\).](#)
۷۱. [↑ عبدالله مستوفى، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، ص ۳۱۵، تهران ۱۳۷۷ ش.](#)
۷۲. [↑ هادی شریفی، «مشكلات تربیتی خانواده امروز ایرانی»، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۲۲، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش.](#)
۷۳. [↑ محمد معشوق بن علی، «اسلام»، ج ۱، ص ۴۲۶، در اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمدرحیم و قار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.](#)
۷۴. [↑ ابراهیم احمد شعلان، «الاسرة فی المثل الشعبي»، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۴۴، التراث الشعبي، سال ۱۲، ش ۶-۷ \(حزیران - تموز ۱۹۸۱\).](#)
۷۵. [↑ احمد امين، قاموس العادات والتقاليد و التعابير المصرية، ذيل «الأسرة»، قاهره ۱۹۵۳.](#)
۷۶. [↑ شاپور راسخ، «اثر توسعه اقتصادی و صنعتی در تغییر شکل و وظائف خانواده ایرانی»، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۶۱، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳ ش.](#)
۷۷. [↑ الكافی فی الفقه ص ۱۵۳ و ۱۵۵](#)
۷۸. [↑ جواهر الکلام ج ۲۲، ص ۴۴۹](#)
۷۹. [↑ جامع المقاصد ۴، ص ۷](#)
۸۰. [↑ الحدائق الناضرة ج ۱۴، ص ۱۲۳](#)
۸۱. [↑ العروة الوثقی ج ۴، ص ۴۱۳](#)
۸۲. [↑ مستمسک العروة ۱۰، ص ۱۶۱](#)
۸۳. [↑ جواهر الکلام ج ۱۷، ص ۲۱۶](#)
۸۴. [↑ الحدائق الناضرة ج ۱۴، ص ۴۲](#)
۸۵. [↑ جواهر الکلام ج ۳۱، ص ۲۷۰](#)
۸۶. [↑ جواهر الکلام ج ۲۴، ص ۱۴۱](#)
۸۷. [↑ جواهر الکلام ج ۲۴، ص ۱۴۵-۱۴۷](#)

منبع

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «خانواده»، شمار ۶۸۲۶.](#)
[فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۳، ص ۴۲۱](#)

رده‌های این صفحه: [اخلاق اسلامی](#) | [خانواده](#)